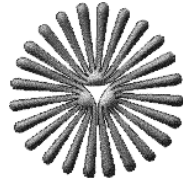


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور مرکز تبریز

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی شگردهای طنزآلود در منظومه‌های چهارگانه

(اسرارنامه-الهی نامه-مصیبت نامه-منطق الطیر) عطار نیشابوری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد محمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میر نعمت اله موسوی

نگارش:

ژیلا خالدیان

تیر ۱۳۸۹

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور مرکز تبریز
گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی شگردهای طنزآمیز در منظومه های چهارگانه
(اسرارنامه-الهی نامه-مصیبت نامه-منطق الطیر) عطار نیشابوری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر احمد محمدی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر میر نعمت اله موسوی

نگارش:

ژیلا خالدیان

تیر ۱۳۸۹



دانشگاه پیام نور
پست
باستاد عالی

تاریخ: _____
شماره: _____
پیوست: _____

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه: بررسی شگردهای طنزآلود زبانی در کتب مصیبت نامه، الهی نامه، اسرارنامه و منطق الطیر شیخ فریدالدین عطار نیشابوری که توسط خانم ژیلایا خالدیان تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۸۹/۴/۲۱ نمره: ۱۹۱ - نوزدهم درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیأت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیأت داوران	مرتبۀ علمی	امضاء
۱- آقای دکتر احمد محمدی	استاد راهنما	استادیار	
۲- آقای دکتر میرنعمت اله موسوی	استاد مشاور	استادیار	
۳- آقای دکتر علی کریم زاده	استاد داور	استادیار	
۴- خانم محبوبه عبدالهی	نماینده گروه علمی	مربی	
۵- آقای دکتر سید مهدی عراقی	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم
و
همسر مهربانم

تقدیر و تشکر:

کار حاضر تنها خوشه‌چینی از خرمن دانش استادان بزرگوایم و ادای وظیفه در قبال انس و الفتی قلبی است که با آثار منظوم عطار داشته‌ام. بر خود فرض می‌دانم که سپاس و قدردانی خود را از استادان و بزرگانی که یاری‌گر این پایان‌نامه بوده‌اند نثارشان کنم.

از استادان ارجمند جناب آقای دکتر میر نعمت الله موسوی و جناب آقای دکتر احمد محمدی که با نکته‌سنجی‌های هوشمندانه و راهنمایی‌های عالمانه، بنده را در این کار یاری فرموده‌اند سپاسگزاری و از خداوند متعال توفیق تمامی خدمتگزاران فرهنگ این مرز و بوم را آرزو می‌کنم. این پایان‌نامه اگر واجد ارزشی باشد، مرهون این بزرگان و همه‌ی استادان است و کاستی‌های آن نیز البته برآمده از کاستی دانش و شتاب‌زدگی نگارنده است. باشد که اهل ادب به دیده‌ی اغماض در آن بنگرند.

والسلام

نشانه های اختصاری

ص:صفحه.

صص: صفحات.

چ:چاپ

ج: جلد

ش:شماره

ر.ک: رجوع شود به کتاب.

*:شرح معنی لغت و معادل انگلیسی واژگان.

چکیده:

از جمله مسائلی که در ادبیات مورد توجه قرار گرفته است و اغلب شاعران ادب فارسی در آثار خویش کم و بیش از آن بهره جسته‌اند، مقوله‌ی طنز است. هنر وقتی قالب شوخ طبعی به خود گیرد، در عرصه‌ای به فراخی دنیای انسان‌ها، ناگفته‌ها را بیان می‌کند، هنر درک تناقض‌هاست و انسان از مشاهده ناسازگاری و عدم تجانس، متعجب می‌شود و می‌خندد. این خنده ممکن است با تحقیر همراه بوده در پی آن اصلاح داشته باشد و ممکن است با تحقیر همراه نباشد و دردی را در خود نهفته باشد، با این حال عامل کشف کژی‌ها و بدی‌هاست. بنابراین طنز بر شمردن زشتی‌ها و رذایل فردی یا جمعی در جهت آگاهانیدن مردم و شیوه‌ی بیان مفاهیم تند اجتماعی و انتقادی و سیاسی و افشای حقایق تلخ و تنفر آمیز است.

نگارنده در این پایان نامه منظومه‌های چهار گانه عطار (اسرار نامه، الهی نامه، مصیبت نامه، منطق الطیر) را از نظر شگردهای طنزآلود مورد بررسی قرار داده است. عطار در حکایات این آثار آنچه را عاقلان از گفتن آن ابا دارند از زبان دیوانگان و شوریده حالان بیان کرده است. این فرقه از هر گونه قیود عرفی و شرعی در هنگام مناظره و سخن گفتن بی باک و گستاخ هستند.

در این پایان نامه گفتارهای طنزآمیز عطار در قالب داستان و حکایات بر اساس موضوع تقسیم بندی شده است این حکایات که با تعالیم اساسی صوفیه نیز هم خوانی دارد، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: طنز- عطارنیشابوری- اسرارنامه - الهی نامه - مصیبت نامه - منطق الطیر

نام و نام خانوادگی: ژایلا خالدیان شماره دانشجویی: ۸۶۸۱۰۱۵۶۷

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۰۴/۲۳

استاد راهنما: جناب آقای دکتر احمد محمدی استاد مشاوره: جناب آقای دکتر نعمت الله موسوی

عنوان پایان نامه: بررسی شگردهای طنزآلود در منظومه های چهارگانه (اسرارنامه، الهی نامه، مصیبت نامه، منطق الطیر) عطارنیشابوری.

مقدمه.....	۱
فصل اول (کلیات).....	۳۱-۵
۱-۱- درآمدی بر خنده و شوخ طبعی.....	۵
۱-۱-۱- چرا می خندیم.....	۵
۲-۱-۱- گونه‌های شوخ طبعی.....	۵
بذله / لطیفه.....	۶
فکاهه.....	۶
طنز.....	۷
هجو.....	۸
هزل.....	۹
۲-۱- تفاوت طنز و هجو و هزل.....	۱۰
۳-۱- تاریخچه طنز در ادبیات فارسی.....	۱۰
۱-۳-۱- طنز، پیش از مشروطیت.....	۱۰
۲-۳-۱- طنز، پس از مشروطیت.....	۱۲
۴-۱- ماهیت طنز.....	۱۴
۵-۱- زبان طنز و تفاوت آن با هزل و هجو.....	۱۴
۶-۱- طنز در ادبیات کلاسیک مدرن.....	۱۵
۷-۱- طنز در ادبیات فارسی.....	۱۵
۸-۱- انواع طنز از نظر مضامین.....	۱۶
۱-۸-۱- طنز اجتماعی.....	۱۶
۲-۸-۱- طنز سیاسی.....	۱۶
۳-۸-۱- طنز صوفیانه.....	۱۷
۹-۱- شگردهای طنزآمیز.....	۱۷
۱۰-۱- زندگی نامه‌ی عطار نیشابوری.....	۲۱
۱۱-۱- علت علاقه‌ی عطار به داستان پردازی.....	۲۳
۱۲-۱- تمثیل و منظومه‌های عطار.....	۲۳

۱۳-۱	بررسی احوال شاعران طنزسرای قبل و بعد از عطار.....	۲۴
	سنایی.....	۲۴
	مولوی.....	۲۵
	فصل دوم (شگردهای طنز آلود در اسرار نامه)	۳۱-۴۶
۱-۲	مقدمه.....	۳۱
۲-۲	طنز در اسرار نامه.....	۳۱
۱-۲-۲	خرده‌گیری بر خلقت الهی.....	۳۱
۲-۲-۲	انتقاد از دنیا پرستی و دنیاپرستان.....	۳۳
۳-۲-۲	نیش خند بر قدرت سلاطین.....	۳۶
۴-۲-۲	مناظره دیوانگان با اهل زهد و عبادت.....	۳۷
۵-۲-۲	ناقوس مرگ.....	۳۸
۶-۲-۲	عشق و عاشقی و شهریاری.....	۳۹
۷-۲-۲	برخی حکایات طنز آمیز دیگر.....	۴۰
	فصل سوم (شگردهای طنز آلود در الهی نامه)	۴۶-۷۲
۱-۳	مقدمه.....	۴۸
۲-۳	طنز در الهی نامه.....	۴۸
۱-۲-۳	داستان عشق و عاشقی پیشگی طنزآمیز شوریدگان الهی نامه.....	۵۲
۲-۲-۳	خرده‌گیری طنزآمیز بر خدا و خلقت او.....	۵۲
۳-۲-۳	نگاه طنزآمیز عطار به مناظره دیوانگان و زاهدان.....	۵۴
۴-۲-۳	بررسی رابطه شوریده‌حالان با سلاطین و نیش خند بر قدرت آنان.....	۶۰
۵-۲-۳	انتقاد از دنیا پرستان.....	۶۲
۶-۲-۳	برخی حکایات طنزآمیز دیگر.....	۶۸
	فصل چهارم (شگردهای طنز آلود در مصیبت نامه)	۷۲-۹۸
۱-۴	مقدمه.....	۷۲
۲-۴	تحلیلی از شخصیت دیوانگان.....	۷۵
۳-۴	طنز در مصیبت نامه.....	۷۶
۱-۳-۴	نزاع طنزآمیز بر سر نان.....	۷۶

۸۱	۴-۳-۲- نزاع طنز آمیز بر سر جامه.....
۸۲	۴-۳-۳- عبادت از نظر دیوانگان.....
۸۵	۴-۳-۴- عدل و جور الهی و نگاه طنز آمیز به این مسئله.....
۸۷	۴-۳-۵- مناظره شوریدگان با پادشاهان و نیش خند بر قدرت آنان.....
۹۱	۴-۳-۶- انتقاد از دنیاپرستی و زیاده خواهی پادشاهان.....
۹۴	۴-۳-۷- برخی حکایات دیگر.....
۹۸-۱۱۹	فصل پنجم (شگردهای طنز آلود در منطق الطیر).....
۹۸	۵-۱- مقدمه.....
۹۹	۵-۱-۱- منطق الطیر رازی ناشناخته.....
۱۰۱	۵-۲- طنز در منطق الطیر.....
۱۰۱	۵-۲-۱- خرده گیری بر خلقت الهی.....
۱۰۱	۵-۲-۲- نگاهی به ساختار مناظره ی طنز آمیز دیوانگان با بزرگان و اهل قدرت.....
۱۰۳	۵-۲-۳- انتقاد از دنیا پرستی و زیاده خواهی پادشاهان.....
۱۰۷	۵-۲-۴- انتقاد از فقر و درویشی.....
۱۱۰	۵-۲-۵- عبادت از نظر دیوانگان.....
۱۱۳	۵-۲-۶- مسئله ی مرگ از نظر طنز آمیز.....
۱۱۴	۵-۲-۷- عشق و عاشقی و شهریاری از نگاه طنز.....
۱۱۶	۵-۲-۸- برخی حکایات طنز آمیز دیگر.....
۱۱۹	نتیجه گیری.....
۱۲۱	منابع و مأخذ.....

مقدمه:

گر نماند درد تو عطار را
درد تو باید که جان می سوزدش
درد تو باید دلم را درد تو
درد، چندانی که داری می فرست
دل کجا بی یاریت دردی کشید
او نخواهد کافر و دین دار را
پای بر آتش، جهان می سوزدش
لیک نه در خورد من، در خورد تو
لیک دل را نیز یاری می فرست
کاین چنین دردی، نه هر مردی کشید^۱

طنز و طنز پردازی در میان تمام ملتها ساری و جاری است، خواننده با خواندن داستان طنز احساس غربت نمی کند بلکه خود را و ارد داستان کرده، با شخصیت‌های آن ارتباط برقرار می کند، طنز بر پایه خنده است، خنده ای که از شادی و خوشحالی نیست، بلکه خنده ای تلخ و دردناک و گزنده است. اگرچه لبخند را بر لبان می نشانند اما قطعاً در کنار این خنده تلخ، اندیشه و تفکر است. «طنز به همراه خانواده خندانش، هجو، هزل فکاهه، لطیفه، مطایبه گذشته از اختلاف نام در صفت شوخ طبعی مشترکند»^۲ «طنز با ظاهر خنده دار، باطن تفکر انگیز و سرزنش کننده ای به همراه دارد که خطاکاران را متوجه خطای خود کرده، آنان را در جهت رفع خطا تشویق می کند. قلم طنز نویس به منزله کارد جراحی است نه چاقوی آدم کشی، با وجود تیزی و برندگی که دارد، کشنده نیست بلکه آرام بخش است.»^۳

«برای اطلاع و آگاهی از شوخ طبعی و طنز در ادبیات کشورمان به سالهای آغاز حکومت اسلامی می رسیم، چرا که قبل از آن تاریخ اطلاع درستی در دست نیست. شعرهجایی در ادبیات کشورمان در نتیجه ارتباط با اعراب قبل از آمدن اسلام به ایران بوجود آمد. بر اثر ظهور اسلام این نوع ادبی، رنگ هجو مشرکان و تقویت روحیه مسلمانان را به خود گرفت، و در روزگار پس از اسلام نیز در دوره امویان و عباسیان ادامه یافت که توسط برخی شاعران دوزبانه به شعر فارسی راه یافت و در قالب قصه های مربوط به دیوانگان، عقلای مجانین، مسخره ها و دلکک ها قوام یافت. در دوره غزنویان نیز استفاده از دشنام های رکیک در شعر رواج یافت و در دوره سلجوقیان به اوج خود رسید.»^۴ «لازم به ذکر است که نابسامانی های اجتماعی و سیاسی، سبب رواج هجو و هزل در

۱. عطار نیشابوری، مصیبت نامه، تصحیح شفیعی کدکنی، ص ۱۲۹.

۲. امینی، اسماعیل، خندمین ترافسانه، ص ۱۳.

۳. رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ص ۹۰.

۴. صدر، رویا، بیست سال با طنز، صص ۱۱-۱۲، با تصرف.

شعر شاعران قرن‌های چهارم و پنجم و ششم شد از جمله در شعر سنایی، انوری، خاقانی، ظهیری فاریابی و در قرن هفتم در شعر شاعر طنز اجتماعی همراه با خرده گیری‌های رندانه خاص صوفیه دیده می‌شود که در شعر سنایی و مولوی و بیش از همه در شعر عطار به چشم می‌خورد. در پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم ابواسحاق اطعمه با تأثیر از عبید زاکانی و حافظ درعین و صف اطعمه و بیان لذائذ آن عملی مقرون به شوخ طبعی و مزاح را انجام می‌دهد.^۱

«در دوره قاجاریه نیز شاعرانی چون قآنی، یغمای جندقی در سرودن شعر طنزچیره دست بودند و طنز در دوره پس از مشروطه نیز متناسب با حرکت تجددطلبی مشروطه کارکردی سیاسی، اجتماعی پیدا می‌کند و مسائل عامه جامعه را هدف قرار می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، نقطه‌ی عطفی در تاریخ طنز کشورمان به شمار می‌آید. توجه به نقش اجتماعی طنز بیشتر می‌شود که اوج این حرکت را در مکتوبات علی اکبر دهخدا با امضای «دخو» می‌بینیم و همچنین نقطه اوج سیاسی را در آثار میرزا اشرف الدین گیلانی معروف به «نسیم شمال» می‌توان دید. با فروکش شدن آتش مشروطه خواهی، توجه به قالب‌های نوینی در داستان کوتاه صورت گرفت که می‌توان به یکی بود یکی نبود جمال‌زاده اشاره نمود».^۲

با این وجود سرزمین گهربار ایران نام بزرگان زیادی را از خود به یادگار گذاشته است که با این مختصر پایان نمی‌پذیرد. اما در میان مفاخر بزرگ فرهنگی، نام عطار نیشابوری می‌درخشد او از نوادر عرفاً و صوفیه است که در زمان حیات خویش و در تاریخ ادبیات از شهرت بسیاری برخوردار است و آثار گرانبهایی از خود به جای گذاشته است. اکثر آثار عطار دارای عقاید صوفیانه و عارفانه است که با ساده ترین زبان و در قالب حکایت بیان شده است. از جمله آثار او الهی نامه، مصیبت نامه، اسرار نامه، منطق الطیر، مختارنامه، پندنامه و ... است. پایان نامه حاضر در پنج فصل تنظیم شده است که چهار فصل آن هر کدام به یکی از منظومه های چهارگانه عطار و شگردهای طنز موجود در آن پرداخته است.

«منطق الطیر عطار قصه روح آدمی است به سوی کمال تا جایی که خود را درآینه جمال سیمرغ ببیند و در راه او محو شود. سیمرغ عطار در منطق الطیر در جمال و کمال تمام است و تمام زیبایی‌ها نتیجه ی

۱. رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، صص ۹۷-۸۸ به اختصار.

۲. صدر، رویا، بیست سال با طنز، صص ۱۲.

پَر اوست. و مصیبت نامه شرح مسافری سرگشته است که به راهنمایی پیر، به هر دری می زند تا «او» را پیدا کند و به «من عرف نفسه فقد عرف ربه» برسد.^۱

تمام آثار عطار از عشق و زیبایی و درد سخن می گوید و شاعر همه آن چه را که در دل دارد با طنزی شیرین درهم آمیخته تا خواننده و شنونده را متنبه گرداند که بهتر به دنیای اطراف خویش بنگرد.

عطار درکنار عرفان و عشق و تصوف، جامعه خویش را به تصویر می کشد و به اعتراض از طبقات مختلف برمردمان خویش از جمله و اعظ، زاهد، عامی، پادشاه و خلیفه و ... می پردازد و قطعاً هر خواننده آگاهی با توجه به زندگی و اندیشه عطار می تواند قیافه اش را در پشت یکایک حکایاتش ببیند، عطار در بیان حقیقت گام برداشته است و با طرح مسائل عرفانی تمام اوضاع و احوال جامعه اش را پیش چشم خواننده قرار می دهد و انسان خفته را بیدار می کند. عطار برای این کار یعنی بیان افکار و اعتراض های خویش از افراد گمنام یا شوریده حالان و یا دیوانگان کمک می گیرد. دیوانگان که برخدا خرده می گیرند و در حضور پادشاهان به گونه ای حرف می زنند که هیچ عاقلی جرأت این کار را ندارد. این دیوانگان هم چون کوهی استوار در مقابل قدرتمندان ایستاده اند و با سخنان خویش غرور و تکبر آنان را زیر پا می گذارند. حتی عالمان دین نیز از آنان درمان نمانده اند. آنان و سیله ای هستند در دست عطار تا مطالب انتقادی خویش را برزاهدان، مؤذنان، خداوند، پادشاهان و دستگاه آفرینش و ... و ارد کند. بنابراین درخاتمه می توان گفت آنچه عاقلان از گفتن آن ابا دارند، دیوانگان آن را بیان می کنند و درکل پشت فکر هر دیوانه ای قیافه تفکرآمیز عطار همراه با نیشخند طنزآلودش دیده می شود. تحقیر، تشبیه به حیوانات، دشنام، نفرین، قیاس امور ناسازگار و ... شگردهایی هستند که در پایان نامه حاضر به آن ها پرداخته شده است و سعی بر آن شده است که حکایات هرچهار منظومه هر کدام در فصلی جداگانه از نظرشگرد موجود مورد بررسی قرار گیرد. امید است مفید فایده دانشجویان و کسانی که علاقمند به عطار و عرفان و تصوف هستند، باشد.

۱. اشرف زاده، رضا، تجلی رمزورایت در شعر عطار نیشابوری، ص ۱۴

فصل اول:

کلیات

۱-۱- در آمدی بر خنده و شوخ طبعی

۱-۱-۱- چرا می خندیم؟

«انسان حیوانی است که می خندد. این تعبیری است که مشائیان از انسان دارند. ارسطو می گوید: «از میان همه‌ی جانوران، تنها آدمیزاد است که می تواند بخندد.» چرا که لازمه‌ی خنده دریافتی عمیق، فرا حسی و عقلانی از رویدادهاست، و تیز هوشی و قدرت درک پیچیده گی‌ها، کلید آن است، بر خلاف برخی دیگر از رفتارهای آدمی که تنها عواطف و احساسات موجد آن است.

انسان به طور ناگهانی میان واقعیت و حقیقت و بین آنچه هست و انتظار آن را دارد، تناقض می بیند و به خنده می افتد. از مشاهده ناسازگاری و عدم تجانس، متعجب می شود و می خندد، به طور معمول، این خنده با احساس برتری در رفتار گفتار و اندیشه نسبت به فرد یا رویدادی همراه است.

انسان خود را در مرتبه‌ای بالاتر از موضوع خنده می بیند و این تحقیر یا استهزا را با خنده بیان می کند. این خنده‌ی تحقیرآمیز، می تواند اصلاح در پی داشته باشد.

ممکن است خنده با تحقیر همراه نباشد و همدردی را در خود نهفته باشد و به تعبیر افلاطون، با مخلوطی از لذت و رنج آمیخته باشد. انسان در حقیقت نه به فرد، که به رویدادی می خندد و بی ثباتی را حس می کند که این بی ثباتی در وجود همه افراد از جمله خود او نیز وجود دارد. می بینیم که خنده، چه استهزا و تحقیر را در خود نهفته باشد و چه از همدردی مایه گرفته باشد، عامل کشف کژی‌ها و بدی‌هاست، و اینجاست که کمندی آفریده می شود.^۱

۱-۱-۲- گونه‌های شوخ طبعی:

تارکوفسکی* می گوید: «هنرمند به جای همه‌ی کسانی حرف می زند که خود قادر به سخن گفتن نیستند.»^۲ و هنروقتی قالب شوخ طبعی و سخن طیبیت‌آمیز به خود گیرد، در عرصه‌ای به فراخی دنیای انسان‌ها، ناگفته‌ها را و می گوید و در قالب‌های گوناگون، به تناسب شرایط موجود و تنوع نگاه هنرمند، گونه‌های متفاوت به خود می گیرد. بنابراین، بسیاری تلاش کرده‌اند که شوخ طبعی را به تناسب عمق و غنا، قالب و زبان، یا موضوع تقسیم بندی کنند و تعریف مشخصی از شاخه‌های گوناگون آن ارائه کنند: این تقسیم بندی‌ها، در طول زمان شکل گرفته و دگرگون شده است. اگر چه

۱. صدر، رویا، بیست سال با طنز، صص ۱-۲

* (کارگردان و فیلم ساز روسی) Tarkovski Andrei.

۲. احمدی، بابک، حقیقت و زیبایی، صص ۱۲۷.

در گذشته، همه‌ی این مفاهیم را در مقوله‌ای به نام هزل می‌گنجانند، و لی اکنون تنها بخش خاصی از انواع شوخ طبعی در این قالب می‌گنجد. بنابراین می‌توان گفت: «شاخه‌های شوخ طبعی را بذله/ لطیفه، فکاهه، طنز، هجو و هزل دانسته‌اند.»^۱

انواع طنز پردازی عبارت‌اند از :

بذله / لطیفه* :

«در لغت به معنای گفتاری نغز، مطلبی باریک و نیکو، بذله، شوخی، نکته باریک، دقیقه و نیز اشارات دقیقی است که معنایی در ذهن خطور کند که آن را نتوان تعبیر کرد.»^۲ «در اصطلاح ادبی، لطیفه روایت طیبیت آمیز داستان‌وار کوتاهی است که بر پیوند حلقه‌های واقعی و تصادفی استوار است و پایان بندی آن، توأم با اوج، کمال و غافل‌گیری است.

لطیفه رایج‌ترین و عامیانه‌ترین اشکال شوخ طبعی است که به رغم سادگی و کوتاهی و همه‌گیر بودن، پر از رمز و راز و جلوگاه اندیشه و فرهنگ ملت‌هاست و سازندگان آن، اغلب از میان عوام گمنام برخاسته‌اند.»^۳

فکاهه* :

«اگر هزل به دور از زشت‌گویی بیان شود و تنها هدفش خندانندن مخاطب باشد، به فکاهه بدل می‌شود. فکاهه صورت تکامل یافته و عمیق هزل است که به صورت جنبه‌ی شخصی در آمده و مخاطب عام یافته است و به همین دلیل، در همه جا قابل استفاده است و بیشتر بر عنصر طبیعت و خنده تاکید دارد. بر همین اساس، برخی فکاهه را معادل (humour) به معنای مزاح به کار برده‌اند. قدما تا حدودی اصطلاح «مطایبه» (wit) را به همان معنا استفاده کرده‌اند. بنابراین می‌توان مطایبه را مترادف با فکاهه دانست. با این تفاوت که مطایبه معمولاً شوخی‌های لفظی را در برمی‌گرفت در حالی که فکاهه معنای عام‌تری داشت و به عرصه اعمال حرکات نیز کشیده می‌شد.»^۴

«مثال: در رساله‌ی دلگشا آمده است:

۱. صدر، رؤیا، بیست سال با طنز، صص ۳-۲.

* anecdote/joke

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ذیل واژه لطیفه.

۳. رز مجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، ماهنامه ادبیات معاصر، سال دوم، ص ۱۸۱.

* being cheerful

۴. صدر، رؤیا، بیست سال با طنز، ص ۵.

شخصی دعوی خدایی می‌کرد. او را پیش خلیفه بردند، او را گفت: در پارسال اینجا یکی دعوی پیغمبری می‌کرد، او را بکشتند.

گفت: «نیک کرده‌اند که او را من نفرستاده بودم.»^۱

طنز:

«طنز که در ادبیات غربی معادل (sooffing) و گاه معادل (ironical mockerg) انگلیسی به کار می‌برد و به معنی به مسخره از فردی یا جمعی سخن گفتن و استهزا کردن است. و در اصطلاح ادبی نوعی از آثار ادبی است که در بر شمردن زشتی‌ها و رذایل فردی یا جمعی و آگاهیدن مردم از آن‌ها می‌کوشد و فرق آن با هجو یا هجاء در این است که طنز غالباً با استهزای بسیار و کنایه‌های بی‌شمار همراه است و اغلب از هجا مؤثرتر است، اما صراحت تعبیرات و مفاهیم هجو را ندارد، یعنی اغلب غیر مستقیم و به تعریض و تلویح، عیوب یا نقایص کسی یا جمعی را بازگویی می‌کند.»^۲

دکتر بهزادی در کتاب طنز و طنزپردازی در ایران در تعریف طنز آورده است: «طنز در اصطلاح اهل ادب؛ یعنی شیوه خاص بیان مفاهیم تند اجتماعی و انتقادی و سیاسی و طرز افشای حقایق تلخ و تنفر آمیز ناشی از فساد و بی‌رسمی‌های فرد یا جامعه که دم زدن از آن‌ها به صورت عادی یا به طور جدی، ممنوع و متعذر باشد، و در پوششی از استهزاء و نیشخند، به منظور بر افکندن ریشه‌های فساد و موارد بی‌رسمی، قرار گیرد که طنز نامیده می‌شود.»^۳

«مبنای طنز بر شوخی و خنده است، اما این خنده، شوخی و شادمانی نیست، خنده‌ای است تلخ، جدی و دردناک همراه با سرزنش و سرکوفت و کم و بیش زننده و نیشدار، که با ایجاد ترس و بیم، خطاکاران را به خطای خود متوجه می‌سازد و معایب و نواقصی را که در حیات اجتماعی پدید آمده است، برطرف می‌کند.

در مقام تشبیه می‌توان گفت: که قلم طنزنویس و طنزگو، به منزله کاردجراحی است نه چاقوی آدم کشی. زیرا با همه تیزی و برندگیش، جانکاه، موزی و کشنده نیست، بلکه آرامش‌بخش و سلامت‌آور است.»^۴

عمران صلاحی در مقاله طنز چیست؟ طنز را این‌گونه تعریف کرده است:

۱. عبید زاکانی، رساله‌ی دلگشا، به تصحیح علی اصغر حلبی، ص ۶۳.

۲. امینی، اسماعیل، خندمین تر افسانه (جلوه‌های طنز در مثنوی)، ص ۱۸.

۳. بهزادی اندوهجروی، حسین، طنز و طنز پردازی در ایران، ص ۶.

۴. رزمجو، حسین، انواع ادبی (و آثار آن در زبان فارسی)، ص ۹۰.

«هر اصطلاحی را با ضد آن بهتر می توان شناخت و تعریف کرد. در ادب کهن، برای مضاحک دو اصطلاح بوده است: هجو و هزل، هجو، ضد مدح است و هزل، ضد جد. هدف هجو انتقاد است و هدف هزل، شوخی.

وقتی هجو از حالت شخصی در می آید و جنبه عام به خود می گیرد، تبدیل به طنز می شود. بنابراین طنز شکل تکامل یافته هجو است و فکاهه شکل تکامل یافته هزل»^۱
در رساله‌ی دلگشا عبید زاکانی آمده است که:

شخصی از مولانا عضد الدین پرسید که: «چون است که در زمان خلفا مردم دعوی خدایی و پیغمبری بسیار می کردند و اکنون نمی کنند؟

گفت: مردم این روزگار را چندان ظلم و گرسنگی افتاده است که نه از خدایشان یاد می آید و نه از پیغامبر»^۲

هجو*:

«هجو در لغت به معنای عیب کردن و بر شمردن عیب و ناسزاگویی آمده است و در اصطلاح ادیبان عبارت است از نوعی شعر عتابی که بر پایه نقد گزنده و درد انگیز شکل گرفته و آن مقابل مدح است.»^۳ ماتیو هوگارت در فرهنگ و بستر می گوید: «هجو یا هجا (satire) یک کار ادبی است از نوعی که در آن زشتی‌ها، دیوانگی‌ها و دشنام‌ها گرد هم می آیند تا به وسیله آن کسی یا گروهی را تحقیر یا تمسخر کنند.»^۴

«هجو، کلامی است یورش بر، و پرده در. زشتی‌ها را بزرگ نمایی می کند؛ خواه زشتی رفتار و پیکر باشد، خواه کاستی‌های روح. و ازگان در هجو برهنه‌اند و شاعر در این شیوه گفتاری از دشنام سر بر نمی‌تابد و از تهمت و افترا دریغ نمی‌ورزد.»^۵

در تقابل مدح و هجو امیرعنصرالمعالی ضمن آموزش‌های خود به فرزندش گیلانشاه می‌گوید: «اگر هجا خواهی گفتن و ندانی، ضد آن مدح بگویی و هر چه ضد مدح بود هجا باشد.»^۶

۱. صلاحی، عمران، طنز چیست، ص ۱.

۲. عبید زاکانی، رساله‌ی دلگشا، به تصحیح علی اصغر حلبی، ص ۸۰.

* Satire

۳. حرّی، ابوالفضل، درباره طنز (رویکردهای نوین به طنز و شوخ طبعی)، ص ۳۵.

۴. همان منبع، ص ۴۱.

۵. همان منبع، ص ۳۵.

۶. عنصرالمعالی، کیکاووس، تصحیح غلامحسین یوسفی، ص ۱۹۱.

«هجو را در زبان یونانی **diatribe** می‌خوانند که هنوز به معنی حمله‌ی شدید بر شخصی در فرانسه و انگلیس به کار می‌رود. اگر هجو جنبه‌ی طنزآمیزی داشته باشد و بیش‌تر به دشنام و بدگویی مستقیم اکتفا کند می‌توان آن را معادل طنز شخصی (**satire personal**) دانست و معمولاً آن را یکی از انواع عمده چهارگانه طنز می‌دانند یعنی: طنز مذهبی، اخلاقی، سیاسی، ادبی و شخصی. اصولاً بیشتر طنز نویسان بر این نکته‌ی تأکید کرده‌اند که هدفشان اصلاح اجتماع از طریق انتقاد است.»^۱

نمونه‌ی ای از هجو در رساله دلگشا:

اعرابی به حج رفت. در طواف دستاررش بر بودند گفت: «خدایا یکبار که به خانه‌ی تو آمدم، فرمودی که دستارم بر بودند، اگر یکبار دیگر مرا اینجا بفرمای تا دندانهایم بکشند.»^۲

هزل*:

«هزل در لغت به معنای بیهودگی و لاغر گردانیدن کسی آمده است و آن را معنای لاغ و سخن بیهوده که خلاف سخن جد است نیز گرفته‌اند.»^۳

واعظ کاشفی نویسنده قرن نهم در تعریف هزل می‌گوید:

«در لغت، سخن بیهوده گفتن باشد و در اصطلاح، آن است که شاعر در کلام خود لفظی چند ایراد کند که محک تمام عیار نبود و به میزان صدق سنجیده نباشد و با وجود آن، موجب تفریح و تنشیت بعضی طباع گردد.»^۴

«اگر چه هزل به علت بی‌پروایی در بیان تعابیر رکیک، با اصول اخلاقی در تعارض قرار می‌گیرد و لی در نمونه‌های فراوانی از آثار هزل‌آمیز، ذکر مسائل و آلام بشری، به یاری رشد سطح بینش مخاطب می‌آید، از این جهت در هم سویی با اصول اخلاقی حرکت می‌کند، اگر چه ممکن است در ظاهر، ناقض اخلاق قلمداد شود. و لی برخی تا بدان‌جا پیش رفته‌اند آن را تعلیم دانسته‌اند.»^۵

۱. جوادی، حسن، تاریخ طنز در ادبیات فارسی، ص ۱۲.

۲. عبید زاکانی، رساله‌ی دلگشا، به تصحیح علی اصغر حلبی، صص ۱۰۷-۱۰۶.

* Humour

۳. حری، ابوالفضل، درباره طنز (رویکردهای نوین به طنز و شوخ طبعی)، ص ۳۴.

۴. صدر، رویا، بیست سال با طنز (ر.ک: صلاحی، عمران، خنده و مشتقات آن، سالنامه‌ی گل آقا، سال ۷۶) ص ۳.

۵. حلبی، علی اصغر، تاریخ طنز و شوخ طبعی در ایران و جهان اسلامی، ص، به اختصار. ۲۱.